The Necessity of Recognition and Support of Children Right to Happiness in Domestic and International Legal System

Reza Fanazad[1], Ramin Poursaeid[2]

Abstract

The increased human beings experiences and improvements have direct effect on social and legal developments. As a sample, the classic rights such as the right to life and the right to body immunity are counted as obvious and normal rights. The less-known rights have been appeared in both internal and international law. The right to happiness with emphasis on child happiness is one of these new phenomenons. This right obtains its situation as a new generation of developing factors by some countries. The authors search and explain by library-based studying method on the concept of happiness in philosophy, theosophy, morality, literature and religious jurisprudence. Then, (facts) and (norms) about joining of children happiness and legal system are discovered. The results show us non-governmental organizations and governmental ones such as teaching and cultivation ministry or Institute for the intellectual development of children and young adults in spite of their advantageous services are far from their real missions. It may because of no priority of happiness for politicians, absence of consistency between policy and relative administrators, some cultural and economic challenges, etc. This article has submitted some suggestion to solve the obstacles in accordance with available circumstances.

Keywords

The Right to Happiness, Child, Youth, Development, Non-Governmental Organization

---

1. Assistant Professor in Public Law, Payam-e Nour University, Shahriar, Iran.

2. Assistant Professor in Public Law, Payam-e Nour University, Karaj, Iran. (Corresponding author) Email: r.poursaeid@yahoo.com

Original Article Received: 10 September 2019 Accepted: 1 November 2019

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

Please cite this article as: Fanazad R, Poursaeid R. The Necessity of Recognition and Support of Children Right to Happiness in Domestic and International Legal System. Child Rights J 2019; 1(3): 191-212.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

ضرورت شناسایی و حمایت از حق شادی کودکان در نظام حقوق داخلی و بین‌الملل

رضا فنازاد[۱]

رامین پورسعید[۲]

چکیده

افزایش تجربه‌ها و پیشرفت‌های بشر، تأثیر مستقیم در تحولات اجتماعی و حقوقی داشته است. به عنوان نمونه، دیگر امروزه حق‌های سنتی مانند حق حیات و حق بر امنیت تن، در شمار بدیهیات شمرده می‌شوند و حق‌های کم‌تر شناخته‌شده‌ای وارد گفتمان حقوق داخلی و بین‌المللی شده‌اند. حق شادی با تأکید بر «حق شادی کودکان» به عنوان یکی از این حق‌های نسبتاً نوظهور وارد ادبیات حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی برخی کشورها شده است تا جایی که بعضاً به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها قلمداد می‌شود. نویسندگان مقاله، با شیوه گردآوری اطلاعات به طریق کتابخانه‌ای و بررسی داده‌ها به شیوه توصیفی ـ تحلیلی و تطبیقی با تبیین مفهوم شادی در فلسفه، عرفان، اخلاق، ادبیات و فقه در تلاش هستند تا «هست‌ها» و «بایدها» در حوزه حق شادی کودکان را بررسی نمایند. آنچه محصل شده است این‌که نهادهای مردم‌نهاد (جامعه مدنی) و سازمان‌های دولتی مانند وزارت آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، هنوز با وجود ارجگذاری به برخی دستاوردهای مثبت آن‌ها، به دلایلی از جمله کم‌تر شناخته‌بودن این حق، عدم اولویت این حق نزد سیاستمداران، فقدان هماهنگی میان سیاست‌ها و مدیران و در نهایت، برخی مشکلات در ساختار فرهنگی و اقتصادی، از رسالت حقیقی خود فاصله دارند که ضمن شناسایی و معرفی برخی از مهم‌ترین کاستی‌ها و چالش‌ها، به ارائه پیشنهادات متناسب با آن‌ها مبادرت شده است.

---

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور، مرکز شهریار، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور، مرکز کرج، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: r.poursaeid@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۸/۶/۱۹ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۸/۸/۱۰

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

واژگان کلیدی

حق شادی، کودک، نوجوان، توسعه‌یافتگی، نهادهای مردم‌نهاد

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

مقدمه

تحولات پشت سر گذاشته، تجربه‌های گوناگون و پیشرفت‌های بشری، موجب می‌شود سبک زندگی انسان‌ها دستخوش دگرگونی گردد و انتظارات افراد تفاوت پیدا کند و در نتیجه، نظام اجتماعی و حقوقی ناگزیر می‌شود تا خود را با این تحولات هماهنگ سازد و پاسخی برای نیازهای جدید پیدا کند. انسان به گواهی تاریخ شاهد فراز و نشیب‌های فراوانی در زمینه حق‌ها و تکلیف‌های خود بوده است. زمانی، مفهوم حق‌ها و آزادی‌ها برای لااقل بخشی از مردم (مانند برده‌ها)، مفهومی بیگانه و برای سایرین در حد حداقلی آن بود. پس از جنگ جهانی دوم، همگام با برقراری ثبات نسبی در سایه صلح و تشکیل سازمان ملل متحد و البته پیشرفت‌های علمی و افزایش آگاهی و مطالبات شهروندان در کنار تلاش‌های مصلحان اجتماعی، گفتمان حقوق بشر به شکل جدی‌تر از گذشته رواج می‌یابد. در آغاز، تمرکز این گفتمان بر حق‌ها و آزادی‌هایی معطوف بود که امروزه حقوق بدیهی به شمار می‌روند، نظیر حق بر زندگی، حق بر امنیت، حق بر آموزش و بهداشت...، اما همانطور که اشاره شد، بشر امروزی چنین حق‌ها و آزادی‌هایی را بدیهی و مسلم دانسته و به این حقوق قانع نمی‌شود. بشر آگاه، فعال، منتقد و متوقع امروزی به مرزهای سابق بسنده نمی‌کند و پا به قلمروهای تازه در حقوق بشر می‌گذارد. حقوقی همچون حق بر شادزیستن، حق دسترسی به اطلاعات و حق بر توسعه، نمونه‌هایی از این حقوق نسبتاً نوظهور می‌باشند.

حق بر شادزیستن نه‌تنها در گذشته، بلکه حتی امروزه در بسیاری از فرهنگ‌ها و کشورهای توسعه‌نیافته، مفهومی غریب و مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی است. حال آنکه در ادبیات اجتماعی و حقوقی برخی کشورهای توسعه‌یافته، به طور جدی به این موضوع در کنار حق‌ها و آزادی‌های اساسی همچون حق حیات و حق امنیت توجه می‌شود و در جهت تحقق و پاسداری از آن گام برداشته می‌شود.

در ادامه با مطالعه اسناد حقوق بین‌الملل و گوشه‌ای از تجربه‌های بعضی از کشورهای توسعه‌یافته و نیز مرور منابع حقوقی و فقهی داخلی ایران، به روشن‌سازی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

مفهوم حق بر شادی کودکان، شاخص‌های مربوطه و تحلیل ابعاد حقوقی نهادهای سیاستگذار، نهادهای مجری و ناظرین این حوزه می‌پردازیم.

شادی در قرآن، عرفان و فلسفه

۱ـ شادی در قرآن

مهم‌ترین متن اسلامی، قرآن است. عده‌ای برابر آیه ۸ سوره زلزال «فمن یعمل مثقاله ذره شرا یره...» (۱) که متناسب با عدالت ربوبی است و اقتضای اجرا و استیفای عدالت، قهر و غلبه است را مستمسک ارائه چهره‌ای خشن و عبوس از شریعت می‌پندارند که لاجرم منافی با ظهور و بروز هرگونه شور، شعف و شادمانی است، در حالی که به دلایل عقلی و نقلی، رحمت و گشایش و بهجت حق تعالی بر حتی عدالتش اولویت دارد و آن را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، چراکه فرمود: «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر.»

مخالفان با شادمانی و سرور به ظاهر آیه ۷۶ سوره قصص تعبد نموده که می‌گوید :«... ان الله لایحب الفرحین.» زمانی استدلال به ظاهر این آیه در نفی بهجت و سرور، کامل است که بتوان اطلاق‌گیری کرد و مطلق‌انگاری نمود، در حالی که آیه، شادمانی و نخوت حاصل از ثروت بی‌حد و حصر قارون را نفی نموده است، نه مطلق شادی را. قرآن در موارد دیگری هم گونه‌های شادمانی را که مانع توحید شود، مورد اشاره قرار داده و در زمره رفتارهای ناشایست شمرده است، اما از این وضعیت نفی شادی حاصل نمی‌شود. مشتقات فَرِحَ در ۲۳ آیه به کار رفته است. گاهی شادی مانع گرایش به حق را نفی می‌کند؛ همانطور که آیه ۷۵ سوره غافر می‌فرماید: «تفرحون فی الارض بغیر الحق»، گاهی شادی غرورآمیز را که از خصائص رذیله است، منفی می‌شمارد، مانند آیه ۱۰ سوره هود «انه لفرح فخور.» در مجموع چنانچه هر قومی به گونه‌ای به شادی مشغول شود که خود می‌پسندد و این حالت و وضعیت مانع توجه به خداوند و توحید گردد و مردمان را گرفتار غفلت از زندگی خداپسندانه کند، شادی ابزار انحراف است. در این رابطه آیه ۵۳

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

سوره مؤمنون «کل حزب بما لدیهم فرحون» و آیه ۲۳ سوره حدید «... لاتفرحوا بما اتاکم...» قابل اشاره هستند.

اگر شادی انگیزه‌های غیر الهی را تقویت کند و انسان را از مسیر حق بازدارد، چنانکه در آیات قبل اشارت رفت، قرآن متذکر می‌شود، اما نوع دیگری از شادی هم در قرآن مطرح است که به فضل خدا حاصل می‌شود و انگیزه‌های الهی دارد. به عنوان نمونه آیه ۵۸ سوره یونس: «قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا...» و آیه ۱۷۰سوره آل عمران «فرحین بما اتاهم الله من فضله»، نمونه‌های در خور توجهی در این خصوص می‌باشند.

از تقابل آیه ۷۶ سوره قصص «... ان الله لایحب الفرحین» و آیات ۵۸ سوره یونس و ۱۷۰ سوره آل عمران، معلوم می‌شود که خداوند شادی، به انگیزه غیر الهی را دوست نمی‌دارد و اگر شادی به روحیه ایمانی بیفزاید، اتفاقاً بسیار مطلوب است، چون دستور الهی به آن تعلق گرفته است. آیه ۵۸ سوره یونس «فبذلک فلیفرحوا...» شهادتی بر همین موضوع است. این مهم در آرای عارفان ما نظیر مولوی کاملاً برجسته شده است.

۲ـ شادی در عرفان

همانطور که گفته شد، در یک رویکرد (رویکرد فقهی) تعبد به ظاهر آیه ۷۶ سوره قصص و مطلق‌انگاری ظاهر آیه و اتکا به پاره‌ای آیات دیگر به نفی مطلق شادی انجامیده و جامعه مطلوب را عاری از سرور تلقی می‌کند. تقریباً وضعیتی که هم‌اکنون دچار آن هستیم. در نقطه مقابل عارفان، شادی و سرور را یک اصل می‌دانند و غم و اندوه را باطل می‌شمارند. به ابیات زیر از مولانا در غزل ۴۷ توجه فرمایید:

ای غم اگر مو شوی پیش منت بار نیست پرشکر است این مقام هیچ تو را کار نیست
ای غم از اینجا برو ورنه سرت شد گرو رنگ شب تیره را تاب مه یار نیست
ای غم شادی شکن پر شکر است این دهن کز شکر آکندگی ممکن گفتار نیست

و یا چنین می‌سراید:

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

ای گـــروه مـــؤمنـــان شـــادی کنیـــد همچـــو ســـرو و ســـوســـن آزادی کنیـد (۲)
مرا عهدیست با شادی که شـادی آنِ من باشـد مرا قولیست با جانان که جانان جانِ من باشـد (۳)

اگر شادی از بین انسان‌ها رخت بربندد، غم سلطه پیدا می‌کند که ملازم ظلمت و گمراهی است. جان عارف شیرین است و شیرین جانی هم از لوازم شادی و سرور است. عارف از شب تار بیزار و مسحور مهتاب و نور است. شادی حالت مؤمنانه است که با آن می‌توان چون سرو، سربلند و چون سوسن، آزاد بود. شادی با تشویش سازگاری ندارد. مؤمن تشویشی ندارد. چنین است که حافظ می‌فرماید:

غم دنیای دنی چند خوری باده بخور حیف باشد دل دانا که مشوش باشد (۴)

شادی علامت عشق و عاشق است. به قول ابتهاج: زندگی چیست؟ عشق‌ورزیدن، عشق، شادی است، عشق، آزادی است. زنده‌بودن، حرکت، پویایی، واجد اثربودن، به عشق و شور و شادی است. به آزادی است. مفهوم مخالف این کلید واژگان، مردگی، ایستایی، بی‌تأثیری، بی‌نشاطی و دربندبودن است. پرواضح است که شادی مؤمنانه (ای گروه مؤمنان شادی کنید) نمی‌تواند تحت تأثیر یک رویکرد ظاهرگرا مورد انکار قرار گیرد، بلکه حقیقت این است که شادی و سرور اصیل است، مگر اسباب انحراف از مسیر ایمان قرار گیرد که این‌گونه شادی‌ها به نص قرآنی تذکر داد شد و منفی دانسته شد.

در یک قیاس فقهی و اصولی، فقیهان در موردی دیگر به خاطر وجود پاره‌ای نصوص در تحریم ربا گفته‌اند اگر مصلحتی، توسط نص شرعی لغو شود، چنانکه مصلحت ربا توسط نص، مردود اعلام شده است، نمی‌توان به چنین مصلحتی عمل کرد، در حالی که فقیه برجسته آیتا... سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری می‌گوید: نص قرآنی و مصلحت سه وضعیت دارند: ۱ـ گاهی نص، مصلحت را تأیید می‌کند که بحثی ندارد؛ ۲ـ گاهی نص، مصلحت را مردود و ملغی اعلام می‌کند که آن هم بحث ندارد؛ ۳ـ اما اگر نص، راجع به مصلحتی نه تأیید نمود و نه الغا کرد، جنس مصلحت به گونه‌ای است که موافق

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

تحمل مصالح مرسله یا مصالح غیر منصوص باشد و از این‌که مصلحت ربا توسط نص، الغا شده است برنمی‌آید که مصالح غیر منصوص بی‌اعتبار باشند. اصل در مصلحت اعتبار است، مگر خلاف آن توسط شارع اعلام شود (۵). به نظر می‌رسد وضعیت شادی، شعف، شور، نشاط و پویایی هم همین‌گونه است. با تحریم برخی شادی‌ها توسط نصوص شرعی، اصالت و اعتبار شادی‌های غیر مردود از نظر شارع زیر سؤال نمی‌رود. حافظ در تعبیری زیبا می‌گوید:

مـــزرع سبـزه فلک دیـدم و داس مـه نـو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
گفتم ای بخت بخفتیدی و خورشید دمیـد گفت با این همـه از سابقه نومـید نشو

به بیان حافظ حتی شکوه، جلال و اقتدار خداوندی که لازمه اجرای عدالت او، در روز داوری است تحت تأثیر سابقه، یعنی سبقت رحمت پروردگار بر عدالت اوست. رحمت امری انگیزه‌آفرین برای مؤمنان و شادی‌بخش است که یاس و ناامیدی را از فردای دادرسی در روز قیامت می‌زداید.

۳ـ شادی در فلسفه

آنچه تاکنون ذکر شد، مربوط به انسان مکلف دیندار بود. تکلیف با پایان کودکی آغاز می‌شود. اکنون که می‌دانیم از شریعت، حرمت شادی برنمی‌آید و حال که شادی ذاتاً در عرفان اسلامی اصالت دارد، به قیاس اولویت، کودکان که در شرایط پیشاتکلیف هستند، نباید از شادی محروم شوند، چراکه دانستیم شادی امری اصیل است و اگر به واسطه فضای ایمانی و تکلیف محور برخی از انحای آن حرام دانسته شده، اصالت شادی را برای همان مؤمنان مکلف بالغ به کلی از بین نبرده، بلکه جهت غیر خدایی آن موارد نفی شده است. در مورد کودکان نابالغ موضوعاً شادی، غیر از موضوع شادی افراد مکلف مؤمن است. کودکی اقتضا دارد همواره قرین با امر اصیل شادی باشد. کودکی که دوران قبل از بلوغ را با غم و اندوه و افسردگی سپری کند، چه تحولی را در آینده رغم خواهد زد؟ برخی از فلاسفه، حق بر شادی را حتی در زمره حق بر سلامت قلمداد کرده‌اند. در

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

این نظرگاه، سلامت برهر امری اولویت دارد و با نگرشی ژرف، مؤلفه‌های سلامت نظیر شادی نیز در تحقق این امر سهیم هستند، لذا کودک ناشاد اساساً سلامت ندارد (۶).

«راسل» راه خوشبختی را در سر چشمه‌های آن، از جمله شور، عشق، محبت و... جستجو می‌کند؛ وی به مردم ناشاد کمک می‌کند تا احساس خوشی و شادکامی نمایند (۷). اسپینوزا می‌گوید: عواطف عنصر اصلی تشکیل‌دهنده شخصیت انسان است. عواطف با غم و شادی نسبت دارد. هرچه انسان در زندگی شاد باشد، عواطف او فعال‌تر است. اندوه از قدرت فعالیت انسانی می‌کاهد. توجه به شادی ملازم آگاهی و گرایش به غم مرتبط با جهالت است. شادی‌های بسیاری وجود دارد همچون شادی شخص باده گسار که شادی منفعلانه است، اما برخی شادی‌ها مثل شادی فیلسوف به فعالیت نفس مربوط هستند، چراکه وقتی نفس قدرت فعالیت خود را تصور کند، شاد می‌شود. سخن آخرِ «اسپینوزا» این است که شادی ذاتاً خیر است و اندوه ذاتاً شر می‌باشد، زیرا شادی عاطفه‌ای است که قدرت فعالیت انسان را می‌افزاید (۸).

«کانت» از خیر عالی سخن می‌گوید و بر آن است که: «باید برای وصول به خیر عالی تلاش کرد. سلامت زندگی انسان در گرو درک مسؤولیت و قبول تعهد برای حل مشکلات است. دینی که مبلغ رهبانیت و رخوت است، مخرب اخلاق است، چراکه در این رویکرد انسان مسؤول زندگی خود نیست و آن را صرفاً به اراده الهی حواله می‌دهد، در حالی که عقل انسان در تفسیر کتب مقدسه آزاد است (۹).

مفهوم کودک (طفل)

علما و فقهای اسلامی، ادوار مرتبط با کودکی را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: از ولادت تا هفت سالگی (صبی غیر ممیز)، از هفت سالگی تا ظهور بلوغ (صبی ممیز) و از زمان بلوغ تا زمان رشد و مسؤولیت کامل کودک، البته دیدگاه فقهای شیعه و سنی و هر یک از نحله‌های فکری اهل تسنن با هم تفاوت‌هایی دارد (۱۰).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

در روایات حد سِنی برای بلوغ در مورد پسران ۱۳ تا ۱۶ سال و در مورد دختران ۹ تا ۱۳ سال عنوان شده که سنین قبل از بلوغ را دوران کودکی یا طفولیت می‌نامند. از نظر کنوانسیون حقوق کودک، منظور از کودک، افراد زیر ۱۸ سال است، مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود.

ورود «حق بر شادی» به حوزه سیاستگذاری و حقوق

از زمانی که دولت‌ها در معنای نوین آن، پس از قرن شانزدهم میلادی شکل گرفتند تا به امروز شاهد دگردیسی در کارکرد دولت‌ها بوده‌ایم. از دولت‌های حداقلی که صرفاً در حفظ امنیت و معدود رسالت‌های کلان مداخله داشتند تا دولت‌های حداکثری که در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی و حتی خصوصی مداخله می‌نمایند. با هر فلسفه و دیدگاهی، دولت‌ها و جامعه مدنی در کشورهای توسعه‌یافته بخش قابل ملاحظه‌ای از تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری خود را معطوف به جلب رضایت شهروندان، سلامت روح و روان، امنیت خاطر و لذت و شادابی آن‌ها کرده‌اند. این نوع نگاه به حق بر شادی در بعضی جوامع غربی احتمالاً مرهون نگرش‌های انسان محور حاکم بر فلسفه مدرن غرب است و در کشورهای امریکای لاتین احتمالاً ناشی از سنت‌های حاکم و علاقه‌های دیرین مردمان آن سرزمین‌ها می‌باشد. همانطور که ممکن است در برخی از فرهنگ‌ها و کشورها به دلیل اولویت وجوه روحانی و معنوی زندگی یا اقتضای فرهنگ عمومی آن دیار، چندان «حق شادی» در اولویت‌های اجتماعی نباشد. توقع سامان‌دادن به آموزش‌های متنوع از جوامعی که از بحران سوءتغذیه، فقر شدید و بیماری‌های خطرناک رنج می‌برند یا گرفتار گروه‌های بزرگی از مهاجران و پناهندگانی هستند که با معضل اسکان اولیه گرفتارند، انتظار پیچیده‌ای است (۱۱). به هر حال، اکثر کشورها با شدت و ضعف متفاوت، موضوع شادزیستن را به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشری و حقوق شهروندی تصدیق کرده‌اند و در سیاستگذاری اجتماعی و حقوقی خود این حق را لحاظ کرده و ساز و کارهایی برای تحقق و تضمین آن پیش‌بینی نموده‌اند. در کنوانسیون

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

حقوق کودک از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی کودک سخن رفته است (۱۱). امروزه با تحول در مفهوم و معیارهای توسعه، می‌توان مدعی شد میزان خوشحالی شهروندان و دسترسی آن‌ها به مراکز و تجهیزات تفریحی، سرگرمی، ورزشی و هنری را یکی از شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی تلقی کنیم. در تعاریف قدیمی‌تر از مفهوم توسعه، معمولاً توسعه را مترادف با رشد اقتصادی دانسته و این دو را لازم و ملزوم یکدیگر می‌پنداشتند، اما این اندیشه از سال ۱۹۹۰ کنار گذاشته شد و در تعاریف جدید از توسعه، انسان و توسعه انسان در کانون توجه قرار گرفت (۱۲). سازمان ملل متحد سالانه با انتشار گزارش توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی تمام کشورها را محاسبه و رتبه هر کشور را نسبت به کشورهای دیگر در سالی معین نشان می‌دهد. این شاخص ضمن این‌که معیاری برای اندازه‌گیری رفاه شهروندان به دست می‌دهد، اثر سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت زندگی شهروندان را و نه فقط بر اساس ارقام سنتی درآمد سرانه آن‌ها، رتبه‌بندی می‌کند (۱۳). توسعه انسانی سه بعد زندگی را دربر دارد. این سه بعد عبارت است از: زندگی طولانی و سالم، دانش و سطح استاندارد زندگی(۱۴) که جایگزین نظریه‌های کلاسیک توسعه اقتصادی به عنوان معیار توسعه‌یافتگی کشورها شده است.

شیوه‌های تحقق حق شادی کودکان

برای این‌که حق شادی کودکان صرفاً در حد یک شعار و مفهوم انتزاعی باقی نماند، نیازمند آن است تا در زندگی اجتماعی عینیت و قوام یافته و جلوه‌گری نماید. به قول ضرب‌المثل مشهور فارسی «با حلواحلواکردن، دهان شیرین نمی‌شود» به این منظور چند نمونه از فعالیت‌ها در راستای تحقق «حق شادی کودکان»، مورد بررسی حقوقی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

۱ـ آموزش و توجیه خانواده‌ها

خانواده به عنوان مهم‌ترین رکن جامعه و نخستین پناهگاه زندگی و پرورش هر انسان، نقش بنیادی در رشد و سعادت آدمی دارد. از این رو یکی از زمینه‌های اصلی و پایه‌ای برای تحقق و تضمین «حق شادی کودکان»، ایجاد بسترهای لازم در محیط خانه و خانواده است. به منظور ایجاد خانواده‌ای شاد باید مقدمات اقتصادی و فرهنگی آن فراهم شود و آموزش‌های لازم در خصوص ضرورت و چگونگی آن به پدر و مادرها انتقال داده شود. بسیاری از پدر و مادرها درگیر اضطراب‌ها و فشارهای روحی هستند. تدارک این مقدمات و انتقال این آموزه‌ها و برطرف‌کردن موانع موجود، نیازمند بسیج ملی و سرمایه‌گذاری اجتماعی هدفمند می‌باشد.

۲ـ معماری شهری و فضاهای بازی

یکی از شاخص‌های ارزیابی تحقق و گسترش «حق شادی کودکان» بدون تردید می‌تواند معماری بناها و فضاهای عمومی و خصوصی باشد. به کارگیری اصول علم روان‌شناسی کودک در طراحی‌ها و رنگ‌آمیزی‌ها، اختصاص فضای ویژه بازی و دیگر فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی و هنری برای کودکان و نوجوانان از عناصر اصلی شکل‌گیری این حق است. اهمیت این شاخصه تا به حدی است که حتی در طراحی بازداشتگاه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان و کانون‌های اصلاح و تربیت نیز باید به آن توجه شایان نمود. طراحی بازداشتگاه‌ها برای نوجوانان و محیط مادی باید با هدف رعایت نیاز نوجوان به حریم خصوصی و شخصی، انگیزش‌های حسی، فرصت برای ارتباط با همسالان و مشارکت در عملیات ورزشی، تمرینات بدنی و فعالیت‌های اوقات فراغت هم‌ساز باشد (۱۵). یادمان باشد که سنین کودکی و نوجوانی دوران اصلی شکل‌گیری شخصیت، هویت و آینده افراد است و جامعه‌ای که بی‌اعتنا به این موضوع باشد و کودکی‌کردن کودکان را فراموش کند، جامعه‌ای رستگار نخواهد بود.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

۳ـ محیط مدرسه

مدرسه بعد از خانواده، مهم‌ترین رکن پرورش شخصیت انسان‌ها می‌باشد. مدرسه‌ها در کنار این‌که محیطی برای انتقال آموزه‌های تخصصی مانند ادبیات، ریاضیات و علوم تجربی هستند، مأمنی برای کودکان و نوجوان‌ها و فرصتی برای کسب تجربه‌های سودمند و خاطره‌انگیز از جمله سپری‌کردن لحظه‌های شاد و مفرح به منظور سلامتی جسم و روح می‌باشند. امروزه در آموزش‌های رسمی و غیر رسمی حقوق بشر به دانش آموزان از روش‌های شادی‌آفرین استفاده می‌شود. به عنوان مثال، جمهوری کره گزارش می‌دهد که دانش آموزان با توجه به مفاد کنوانسیون منع شکنجه، دهکده‌های ورزشی و ماهیگیری ایجاد کرده‌اند (۱۶). در کشور هنگ‌کنگ از طریق مسابقات مقاله‌نویسی و نقاشی مدارس درصدد آموزش مبانی حقوق بشر به دانش‌آموزان هستند (۱۶). همچنین سایر شیوه‌های مفرح، از جمله فعالیت‌های شادی‌آفرین، تماشای فیلم، گردش علمی و بازی از جمله روش‌های نوین در انتقال آموزهای حقوق بشری و سایر آموزه‌های تخصصی و مهارت‌ها محسوب می‌شوند (۱۶). بنابراین توجه ویژه به زنگ تفریح مدرسه‌ها، اردوهای تفریحی و ورزشی و فعالیت‌های پرورشی سودمند باید بخشی از مأموریت سازمان‌ها و مقامات مربوطه و البته نهادهای مردم‌نهاد باشد.

۴ـ دسترسی کودکان به موزه‌ها، سینماها و سایر مراکز فرهنگی، تفریحی، سرگرمی و ورزشی

شادی کودکان نیازمند دسترسی آسان، رایگان یا لااقل ارزان‌قیمت کلیه کودکان و نوجوانان به مراکز فرهنگی، تفریحی، سرگرمی و ورزشی با کیفیت و استاندارد مطلوب می‌باشد. مراکزی همچون موزه‌ها، سینماها، تئاتر و کنسرت‌های مخصوص کودکان، جشنواره‌های خاص رده سنی کودک و نوجوان، پارک‌ها و شهر بازی‌ها، باغ وحش و سیرک، نمایشگاه‌ها و گالری‌های کودکانه، باشگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی مناسب و حتی رستوران‌ها و مراکز خرید مخصوص کودکان مقصود نظر می‌باشند. در خصوص کودکان دارای وضعیت خاص مثل کودکان در بازداشتگاه‌ها، در طول این مدت باید

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

وسایل مناسب تفریحی و پرورشی جسمی برای ایشان فراهم شود. فضا، تأسیسات و تجهیزات کافی برای این فعالیت‌ها باید تدارک دیده شود. هر نوجوان باید وقت اضافی برای فعالیت‌های تفریحی روزانه داشته باشد که بخشی از آن، در صورت تمایل نوجوان، باید صرف پرورش مهارت‌های هنری و صنایع دستی شود (۱۵).

حق شادی کودکان در اسناد حقوق بین‌الملل

نخستین ردپای حق شادی در اسناد حقوقی را می‌توان در اعلامیه سال ۱۷۷۶ ویرجینیا و کمی بعدتر در اعلامیه استقلال امریکا جستجو کرد. در مطلع این اعلامیه آمده است: ما همه موضوعات زیر را به عنوان موضوعات مبرهن و خودبسا می‌دانیم که انسان‌ها جملگی برابر آفریده شده‌اند و همگی از سوی آفریدگارشان با حق‌های سلب ناشدنی مورد مرحمت قرار دارند که در میان آن‌ها حق حیات، آزادی و پیگیری شادی قرار دارند (۱۷).

اعلامیه حقوق کودک معروف به اعلامیه ژنو که با ابتکار «اتحادیه بین‌المللی یاری کودکان» در سال ۱۹۲۴ به تصویب جامعه ملل رسید، نخستین گام اساسی در راستای حمایت از حقوق کودکان به شمار می‌آید. این اعلامیه دارای پنج ماده و بدون جنبه الزام‌آوری برای دولت‌ها بود و تأکید آن نگهداری و مراقبت روحی و جسمی از کودکان گرسنه، مریض، به ویژه کودکان یتیم و سرراهی بدون هیچ‌گونه تبعیض و تمایز نژادی، عقیدتی و ملی بود (۱۸). در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۹ اعلامیه حقوق کودک به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در واقع این اعلامیه مکمل اعلامیه ۱۹۲۴ بود. این اعلامیه محتوی ده اصل اساسی پیرامون ضرورت حمایت‌های ویژه جسمی و فکری، آموزشی و پرورشی، بهداشتی و درمانی، رفاهی، اجتماعی و فرهنگی برای تمام کودکان بدون در نظرگرفتن نژاد، رنگ، زبان، دین بود (۱۹). در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ کنوانسیون اخیر حقوق کودک توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تصویب قرار گرفت. در کم‌تر از چهار سال، بیش از ۱۵۰کشور این سند را به عنوان

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

حداقل استاندارد موافقت‌نامه بین‌المللی درباره رفتار با کودکان پذیرفتند (۱۵). در دیباچه این کنوانسیون، به اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی مهمی نظیر منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین و همچنین اعلامیه‌های حقوق کودک سال ۱۹۲۴ و ۱۹۵۹ اشاره شده است. ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: هر شخصی حق استراحت، فراغت و تفریح دارد... . در ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹به حمایت‌های خاص در خصوص سلامتی و تأمین اجتماعی متناسب با نیاز کودکان اشاره می‌کند. همچنین در ماده ۲۷ بیان می‌دارد: دولت‌های عضو باید متعهد شوند تا با کمک به اولیای کودکان، سطح زندگی شایسته را به ترتیبی تأمین نمایند که تا بدین‌وسیله زمینه رشد و توسعه جسمی، فکری، معنوی، اخلاقی و اجتماعی آنان فراهم شود.

در ماده ۳۱ کنوانسیون آمده است:

۱ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای تفریح و آرامش و بازی و فعالیت‌های خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنری به رسمیت می‌شناسند.

۲ـ کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای شرکت کامل در حیات فرهنگی و هنری محترم شمرده و توسعه می‌دهند و فراهم‌نمودن فرصت‌های مناسب جهت شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، هنری خلاق و تفریحی را تشویق خواهند نمود.

در بخش دوم کنوانسیون، واحدی به نام «کمیته حقوق کودک» پیش‌بینی شده که متشکل از ۱۰ عضو کارشناس با صلاحیت‌های عالی اخلاقی می‌باشند. اعضای این کمیته برای مدت ۴ سال از طرف دولت‌های عضو، با توجه و به نسبت پراکندگی جغرافیایی انتخاب می‌شوند. این کمیته با UNICEF همکاری نزدیکی دارد و در این ارتباط هر ۵ سال یک بار، گزارشی از عملکرد دولت‌های عضو و نارسایی‌ها و موانع موجود در اجرای کنوانسیون ارائه می‌دهد که کشورهای عضو ملزم به انتشار این گزارش‌ها هستند. شایان ذکر است که صندوق کودکان سازمان ملل متحد سال ۱۹۴۶ برای کمک به غلبه بر موانعی که فقر، خشونت، بیماری و تبعیض در مسیر کودکان قرار می‌دهد، ایجاد شد. یونیسف معتقد است مراقبت از کودکان و حمایت از حقوق آنان

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

اساس و بنیاد پیشرفت انسان است (۲۰). یونیسف اطمینان حاصل می‌کند که کودکان، امکان بازی و یادگیری، حتی در زمان مناقشه داشته باشند، زیرا ورزش و تفریح برای پیشرفت کودکان بسیار مهم هستند (۲۰). یونیسف را هیأت‌مدیره اجرایی، متشکل از نمایندگانی از ۳۶ کشور، اداره می‌کند که بر سیاست‌ها، برنامه‌ها و امور مالی آن نظارت دارد. یونیسف در سال ۱۹۶۵ جایزه صلح نوبل را از آن خود کرد. نشریه اصلی آن، «اوضاع کودکان جهان» سالانه منتشر می‌شود (۲۰).

در نهایت باید به این اقدام ارزنده اشاره کرد که دبیر کل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲ رسماً روز بیستم مارس را به عنوان روز جهانی شادی اعلام کرد.

حق شادی کودکان در اسناد حقوق داخلی

در موادی از قانون مدنی به موضوع حمایت از کودک پرداخته شده است، البته منظور این قوانین از حق‌های کودک اصولاً ناظر به بُعد حقوق فرزندی یا همان حق‌هایی است که فرزندان در محیط خانواده و نسبت به والدین خود دارند. به عبارت دیگر به حقوق کودکان به عنوان موجودی مستقل و خارج از زمینه خانواده نگریسته نشده است. به تصریح ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی اعلام می‌دارد: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رییس حوزه قضایی تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند... . ملاحظه می‌کنید که قانونگذار موضوع نگهداری و مراقبت از اطفال (فرزندان) را به درستی مورد تأکید قرار داده، اما به نظر می‌رسد که پاسداری از صحت جسمانی و تربیت اخلاقی فرزندان مورد سفارش قرار گرفته و به پرورش روح و شادی کودکان توجه نشده باشد، البته اگر نگاه کم‌تر سخت‌گیرانه‌ای داشته باشیم، به استناد اصل تفسیر به نفع متهم بتوانیم دلالت ضمنی و تلویحی قانونگذار را نسبت به

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

موضوعات یاد شده، استنباط نماییم، هرچند قانونگذار مدنی در ادامه در ماده ۱۲۰۴ در مقام بیان نفقه اقارب آن را شامل مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظرگرفتن درجه استطاعت منفق می‌شمارد و به کارگیری عبارات «البسه و غذا و اثاث البیت» و «به قدر رفع حاجت» و «درجه استطاعت منفق» به خوبی گویای نگاه حداقلی قانونگذار در استانداردهای زندگی صرفاً مادی و جسمی کودکان می‌باشد، به هر حال شایسته نیست که قانونگذار را در اینجا مورد نکوهش و انتقاد قرار دهیم، چراکه شاید شأن نزول و رسالت این مواد قانونی برای تحقق همین رسالت، یعنی پاسداری از حیات مادی و رفع نیازهای ابتدایی جسمی کودکان (فرزندان) بنا نهاده شده باشد. بنابراین باید در ضوابط دیگری به دنبال شناسایی حق کودکان بر شادی باشیم.

در قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مواد ۴۰ تا ۴۷ به موضوع حمایت از فرزندان می‌پردازد. به عنوان نمونه سن ازدواج با نظر این قانون با توجه به واقعیت‌های اجتماعی تعدیل شده است (۲۱)، اما اشاره صریح و حتی ضمنی به حق کودکان بر شادی یافت نمی‌شود. حق شادی کودکان به نوعی به طور غیر مستقیم در حقوق کیفری اطفال مورد حمایت قرار گرفته است. بند ۵ ماده ۱ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی، به طور خاص به لوازم بازی کودکان و ممنوعیت به کاربردن رنگ‌ها و اسانس‌ها و سایر مواد اضافی غیر مجاز در آن‌ها اشاره کرده است (۲۲). در سطح فراملی نیز تولید اسباب بازی‌های جنگی به لحاظ این‌که می‌توانند به کم‌شدن حساسیت کودکان نسبت به خشونت کمک نموده و آنان را از بازی‌های غیر خشونت‌بار و منطبق با هنجارهای اجتماعی باز دارند، منع شده است (۲۲).

در منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه ۵۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی در بند ۵۳ واقع در فصل اول بخش سوم منشور به «حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم» اشاره دارد، در حالی که متأسفانه شاهد بسیاری کمبودها در این عرصه برای بانوان کودک و بزرگسال هستیم تا جایی که آنان از فعالیت‌های ساده‌ای مانند دوچرخه‌سواری محروم هستند و یا برای مثال باشگاه‌های

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

مناسب ورزشی که همچون باشگاه‌های مردانه در نوبت عصر دایر باشند، اگر نگوییم اصلاً وجود ندارد، باید اذعان نمود بسیار محدود و نامتناسب با جمعیت متقاضی می‌باشد.

در منشور حقوق شهروندی ابلاغی از سوی رییس‌جمهور موارد قابل اعتنایی در خصوص حق شادی به چشم می‌خورد. سرآمد آن ماده ۸۵ است که اعلام می‌کند: «آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است.» ماده ۳۲ این منشور مقرر می‌دارد: «کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب با سن خود دسترسی داشته باشند و نباید در معرض محتوای غیر اخلاقی، خشون‌آمیز یا هر نوع محتوایی قرار گیرند که موجب غلبه ترس یا بروز آسیب جسمی یا روانی شود.» به موجب ماده ۵۴ منشور نیز: «حق همه شهروندان به ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.»

نتیجه‌گیری

با این پیش‌فرض که شادی و شادزیستن حق هر انسان بزرگسال و خردسال است، به سراغ مبانی و ظرفیت‌های موجود در حقوق داخلی و بین‌المللی رفتیم تا اگر تصریحی به حق شادی در برخی اسناد حقوقی نشده است لااقل با استفاده از آن مبانی و ظرفیت‌ها بتوانیم به شناسایی و تأمین این حق نائل شویم. با مروری در ادبیات حقوق ملی و حتی بین‌المللی متوجه شدیم که تأکید و تمرکز زیادی بر حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بدیهی و مرتبط با نیازهای زندگی نباتی انسان نظیر حق بر حیات، حق بر امنیت، حق بر سرپناه، حق بر غذا و دارو و... وجود دارد. در این میان، حق شادی برای کودکان مصداقی نسبتاً نوظهور و گاه غریبه و گاه در حد یک پدیده فانتزی شناخته می‌شود! خوشبختانه بر اثر تحولات اجتماعی، فرهنگی و حقوقی دهه‌های اخیر از جمله

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

تحول در مفهوم و معیارهای توسعه‌یافتگی کشورها، شاهد ورود معیار «استاندارد زندگی شایسته» در گفتمان حقوق بین‌الملل هستیم که به الگویی مناسب برای نظام‌های حقوق داخلی کشورها تبدیل شده است. به موجب این تحولات و مفاهیم و معیارهای نوین، حق‌ها و آزادی‌ها، صرفاً محدود به حمایت از نیازهای ابتدایی جسمانی انسان‌ها نمی‌شود و نیازهای روحی و روانی انسان‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. گذشته از این، نگاه فرادستوری به حقوق بشر و استناد به اصل تفسیر موسع این ظرفیت را فراهم می‌آورد تا مصادیق حقوق بشر را محدود به شناسایی و اعلام صریح دولت‌ها و قوانین موضوعه نکنیم. بنابراین «حق شادی» به اعتبار انسان‌بودن افراد و عدم مغایرت آن با نظم و هنجارهای اساسی جامعه، به راحتی قابل استنباط است.

به نظر می‌رسد کشورها در کنار شاخص‌های سنتی توسعه‌یافتگی مانند رشد اقتصادی، قدرت و آذوقه نظامی و امنیت داخلی باید به معیارهای نوین مبتنی بر حقوق بشر و کیفیت زندگی شهروندان توجه نمایند. معیارهایی نظیر سرانه سینماها، کتابخانه‌ها و سایر مراکز تفریحی و فرهنگی برای هر شهروند، میزان استقبال شهروندان از کنسرت‌ها و تئاترها و سایر برنامه‌های فرهنگی و هنری، میزان و کیفیت برگزاری جشن‌های عمومی و خصوصی شهروندان، سرانه محیط‌های ورزشی و امکانات ورزشی و فضاهای سبز برای هر شهروند، دسترسی مطلوب و رایگان یا ارزان افراد به این اماکن و فضاها، کاهش نرخ افسردگی و دیگر ناهنجاری‌های روحی و روانی، کاهش نرخ اعتیاد و طلاق، میزان شادی و روحیه شاداب دانش‌آموزان و دانشجویان و صاحبان مشاغل و به طور کلی اقشار گوناگون جامعه نمونه‌های قابل اشاره هستند.

شادزیستن و به طور خاص، شادی کودکان از یک طرف نیازمند یک سلسله از مقدمات و ابزار فرهنگی و اقتصادی می‌باشد، مانند تبلیغ سبک زندگی شاد به عنوان یک هنر و ارزش در جامعه و ایجاد برخی زیرساخت‌های مورد نیاز و از طرف دیگر، نیازمند تلاش حقوقدانان برای فربه‌سازی این مفهوم در ادبیات حقوقی و پیش‌بینی راه‌کارهای مقتضی به منظور پاسداری و ضمانت اجرای این حق ارزشمند و پراهمیت می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

References

1. The Holy Quran. Translated By Elahi Ghomshei. Tehran: Nashr Partow.

2. Molana. Masnavi Manavi. Tehran: Ketabe Parse Publishing; 1398. [Persian]

3. Molana. Divane Shams. Tehran: Khadamat-e Farhangi Publishing; 1393. [Persian]

4. Hafez. Divan-e Hafez. Tehran: Shahab Publishing; 1393. [Persian]

5. Marashi Shoushtari M. New Approaches in Islamic Criminal Law. Tehran: Mizan Publishing; 1377. p.67. [Persian]

6. Sagal E, Galindi H. What is the moral judiciary and philosophy of morality? Translated by Heidari A. Tehran: Hekmat; 1386. p.196. [Persian]

7. Teachman J, Evanz K. Philosophy in Simple Form. Translated by Saadati E. Tehran: Sohravardi Publishing; 1383. p.37. [Persian]

8. Sanei Darebidi M. Philosophy of Morality and the Bases of Behaviour. Tehran: Soroush Publishing; 1377. p.58-60. [Persian]

9. Kant E. Lessons for Philosophy of moral. Translated by Sanei bidaki M. Tehran: Naghsh o Negar Publishing; 1381. p.29. [Persian]

10. Bojnoordi M. Children Rights (Articles). Tehran: Sana Publishing; 1388. p.13-45. [Persian]

11. Falsafi N. The Right to Learning in International Law and Iran Legal System. Tehran: Jangal Publishing; 1395. p.115-116. [Persian]

12. Heidari Chianeh R, Karami S. Comparative Analysis of Human Improvement Factors In Iran. Malysia and Turkey: Economic Magazine; 1394. [Persian]

13. Vali Beigi H, Panahi F. The Grade of Iran in Global Economy in Compare of Selected Countries (on the Basis of Human Improvement and Economic Freedom and Occupation environment). 43th ed. Tehran: Trade Studies; 1389. p.43. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]

14. Yahya Abadi A, Samadi S. The Analysis of Iran Improvement in Accordance with HDI Factor. Tehran: The First National Electronic Conference on Economy; 1392. p.2. [Persian]

15. Abachi M. Children Criminal Law in United Nations Doccuments. Tehran: Majd Publishing; 1380. p.156-161. [Persian]

16. Ansari B, Fanazad R, Frayadi M, Mashhadi A. Teaching of Human Rights. Tehran: Majd Publishing; 1388. p.38-108. [Persian]

17. Lais Kondo Claus and Luciana Romano Morilas. The Right to the Pursuit of Happiness and the Right to Access Medical Treatment: Research Developments in Brazilian Jurisprudence. Peace Human Rights Governance 2018; 2(1): 119-133.

18. Zamiri M. The Methods of International Protection of Human Rights. Tehran: Shahid Beheshti University; 1374-75. [Persian]

19. Hashemi M. Human Rights. Tehran: Mizan Publishing; 1384. p.553. [Persian]

20. United Nations. Fundamental Truths on United Nations. Translated by Isari Kasmayi A. Tehran: Isari Publishing; 1384. p.46-216. [Persian]

21. Ghaneh R, Mohammadi O. The Gloss of Family Law. Tehran: Talashgaran Omidvar Publishing; 1393. p.209. [Persian]

22. Beigi J. The children Victimness in Iran Legal System. Tehran: Mizan Publishing; 1384. p.389. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-09]